

## ترجمه پژوهی قرآنی

نوشته: حسین عبدالرؤف

ترجمه و تحریر: بهاءالدین خرمشاهی

### فصل اول. ۱/۳. ترجمه و کارکردهای سطح کلانی زبان

در هر متن، به نحو همزمان سه گونه معنای مختلف، اما درهم تنیده وجود دارد (قیاس کنید با Halliday 1968 & 1978, Butler 1985, Roger T. Bell 1991, Hatim and Mason 1997) که عبارتند از: ۱) اندیشگی ۲) مخاطب گرایانه یا بین الاثنین و ۳) معانی منصوص. معنای اندیشگی، کارکرد بنیادین زبان است که معنای شناختاری را بیان می‌کند و نقش حمل معنای زبان را بر عهده دارد؛ یعنی در خدمت بیان «محتوا» است. در این حوزه، بهره تجربی با بیان روندها سروکار دارد و گزینه‌های این روندها و شرایط، کیفیات و نظایر آن. بهره منطقی عرضه کننده بیانگرهای زبانی نظیر موصولات، «و» (واو)، «یا»، نفی و فحوا و دلالت است. معنای مخاطب‌گرا، یا بین الاثنین، معنای کاربردی (یا معنای همکنشانه) را با به کارگیری نظامها و شبکه‌هایی از حالت و روحیه و آفرینش جملاتی بیان می‌کند که محتوای شناختاری و منطقی حروف اضافه را حمل می‌کند و نسبت با دیگرانی که پیامها خطاب به آنهاست، باز می‌نمایاند. معنای منصوص شیوه‌ای است که متن و انواع گوناگون منابع زبانی در آن شکل می‌گیرد تا اندیشه‌های بیان شده را درهم بتند.

در یک یا چند فقره از این کارکردهای زبان در سطح کلان که متن مبدأ بیشترین صدمه را می‌بیند و بر اثر عمل ترجمه اغلب تحریفات رخ می‌دهد، گاه هست که معنای اندیشگی

## ترجمه پژوهی قرآنی ۶۵ □

تقریباً دست نخورده محفوظ می‌ماند، سایر معانی و فحوها آسیب می‌بیند. در ترجمه در مواردی آشکار است که جملات فعلیه، عبارات بدون جزا، ساختارهای مجهول یا تعبیّرات کنایی و غیره در زبان مقصد صورت جملات اسمیه می‌گیرد، (یا بالعکس) ساختارهای معلوم و تعبیّرات غیر کنایی و غیره در زمان، ضمیر یا اسم ظاهر (نظیر تثنیه، یا مذکر / مؤنث) به نحو دیگر ترجمه می‌شود. بنابراین، نیل به معادل لفظی کاملاً برابر از قدرت هر مترجمی خارج است (Smalley 1991:126). اصولاً غریبان عادت و تمایل دارند که معنی را از مقوله اندیشگانی بدانند. برای آنان بسیار دشوار است که معنای منصوص یا مخاطباتی را هم به معنای متعارف (اندیشگانی) بگیرند. غالباً در جست و جو برای معنای متن، این جست و جو کما بیش دیده نمی‌شود (پیشین، ص ۱۲۵).

این مثال قرآنی را در نظر بگیرید: **وَإِذْ أَبْتَلْنَا إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ (بقره، ۱۲۴)**. عبدالله یوسف علی آن را چنین ترجمه کرده است:

And remember that Abraham was tried by his Lord

[و به یاد آور که ابراهیم توسط پروردگارش آزموده شد].

ملاحظه می‌کنیم که در متن اصلی، فعل به صورت معلوم آمده، ولی در ترجمه به صورت مجهول درآمده است، به علاوه اینکه «اذ» که نوعی موصول خاص قرآنی است حذف شده است.<sup>۱</sup>

### ۱/۴. ترجمه کتاب مقدس (عهدین)

طبق تحقیق گولدنبرگ (Goldenberg 1990: v) کتاب مقدس (عهدین) پرترجمه‌ترین و پرطبع‌ترین کتاب در طول تاریخ است. در این نکته شبهه‌ای نیست که پرترجمه‌ترین کتاب است، چرا که تقریباً به هر زبان و گویشی که در گوشه و کنار جهان رواج دارد، برگردانده شده است. گولدنبرگ در همان اثر، همانجا می‌افزاید که فقط در انگلیسی صدها ترجمه مختلف در دست است. مع الوصف این شاهکار ادبی در میان هوادارانش اختلافات بسیاری به بار آورده، هر گروه به ترجمه [و تفسیر] و متن ماثور خویش متمسک‌اند. پیداست که اختلافات تفسیری رایج در میان گروه‌های گوناگون در ترجمه‌هایشان از کتاب مقدس بازتاب

۱. به نظر می‌رسد And remember به جای «اذ» آمده است. - م.

یافته است.

بر وفق پژوهش گرینشتاین (Greenstein 1990:86) تحقیقاً همه ترجمه‌هایی که به کوشش یهودیان و مسیحیان تا میانه قرن بیستم انجام شده پیرو شیوه ترجمه تحت اللفظی / واژه به واژه بوده است. ترجمه [و تفسیر] یهودی کتاب مقدس چه سنت‌گرا، چه تجددگرا، تا همین اواخر متمرکز بر واژه بوده است، آن هم به معنایی که در عهد و اقلیم هر یک رایج است. بر خلاف ترجمه‌های قرآن (که در بخش بعد از آن سخن می‌گوییم)، ترجمه‌های نوین کتاب مقدس همگی تابع شیوه مفهوم و راهبرد آزاد و از این روی، مخاطب - مدارند.

تفسیرهایی که همراه ترجمه‌های کتاب مقدس هستند کمابیش موسّع و مبسوط‌اند، زیرا فضایی که اشغال می‌کنند حاکی از این امر است (Schwarz 1955:48). همچنین شیوه ترجمه واژه به واژه (تحت اللفظی) مستحکم‌ترین و مطمئن‌ترین مأمّن در برابر هر گونه تغییر و تصرف اندیشه اصلی تلقی می‌شده است (پیشین، ص ۵۱). ترجمه سبعینی یا هفتادی که ترجمه کهن کتاب مقدس [فقط عهد عتیق] از عبری به یونانی بوده به شیوه

تحت اللفظی انجام گرفته است (Minkoff 1988:350). «وولگات» (Vulgate) ترجمه رسمی لاتینی کلیسایی کتاب مقدس بود. این ترجمه به همت قدیس جروم / ژروم = هیرونیموس [Hieronymus حدود ۳۴۷ - ۴۲۰ م] در اواخر قرن چهارم به عنوان تحریر عام / متن معیار (وولگاتا ادیتیو) فراهم آمد. وولگات ترجمه مستقیم کتاب مقدس عبری به لاتین بود (قیاس کنید با Rossano 1990). این ترجمه به زبان مردم عام / عامه (vulgus) نوشته شده بود. محققان هنوز می‌کوشند که ترجمه‌ای به انگلیسی معیار روز تهیه کنند. قدیس ژروم / هیرونیموس در تلاش خود برای ترجمه چنین می‌اندیشید «معنی می‌تواند از واژه به واژه کلمات جدا شود» حال آنکه ترجمه باید «معنی در برابر معنی باشد» (Minkoff 1988:360).

طبق نظر هابرم (Hoberman 1985:44) نخستین ترجمه کامل انگلیسی به همت پیروان مصلح دینی معروف به جان ویکلیف John Wycliffe در اواخر قرن چهاردهم میلادی انجام گرفت. اینان از روی زبانهای اصلی - یعنی عبری عهد عتیق و یونانی عهد جدید - کار نکرده بودند. به جای آن، وولگات لاتین را - که در سراسر قرون وسطا (ترجمه) معیارین کتاب

## ترجمه پژوهی قرآنی ۶۷ □

مقدس در اروپایی غربی است - متن مبنا قرار دادند. تا قرن شانزدهم طول کشید که ترجمه‌های انگلیسی مستقیماً از عبری و یونانی انجام گرفت. ترجمه انگلیسی پیش‌تاز، ترجمه ویلیام تیندال William Tyndale از عهد جدید بود که در سال ۱۵۲۵ م در آلمان چاپ شد و چنان‌که اتفاق نظر بین اغلب محققان است، این ترجمه و طبع در اوایل سال ۱۵۲۶ م در انگلستان موجود و منتشر بود. تیندال بعدها ترجمه اسفار خمسه (پنج کتاب اول تورات وحی شده بر موسی) و کتاب یونس نبی را عرضه کرد. او همچنین ترجمه انگلیسی چند کتاب دیگر از کتب (اسفار) عهد عتیق را به دست داد.

ترجمه کتاب مقدس در لهستان در دوران رنسانس وجه متمایز او اقتباس‌های آزاد و استقلال کامل از متن اصلی بود. زیباسازی آثار اصلی، هنر و فضیلت شمرده می‌شد و تغییر و تصرف در قالب متن اصلی (چنان‌که در ترجمه شعر به نثر معهود است) طبعاً رایج بود. همچنین ترجمه غیرمستقیم یعنی ترجمه مبتنی بر ترجمه‌های دیگر رسم بود (Tabakowska 1998:527). در سوئد ترجمه کتاب مقدس به نثر و شیوه خاص کتاب مقدسی یعنی ادبی و کهن‌گرایانه نبود، بلکه ترجمه کمال مطلوب به شیوه‌ای پر از اصطلاحات عامه، مفهوم و نثر طبیعی سوئدی جدید بود، و مسائل سبکی و ساختاری را ندیده می‌گرفتند (Albrekston 1978:152).

چندین کوشش برای ترجمه کتاب مقدس به هلندی انجام گرفته است، از جمله در سال ۱۵۲۸ م (Vorsterman Bible)، ۱۵۶۰ (Brestkens Bible) و ۱۵۶۲ / ۱۵۶۵ م (Deux-Aes Bible). در سال ۱۶۱۸ و ۱۶۱۹ مجمعی از کلیساهای پروتستان در هلند تصمیم به ترجمه کتاب مقدس به هلندی گرفت (Omega 1990:104). کوشش بعدی، فحوای سیاسی وسیع‌تری داشت؛ یعنی می‌خواست ملت هلند را از طریق دین متحد گرداند تا بر عزت نفس آنان و نگرش سیاسی‌شان، و اخلاق جنسی‌شان و حتی بر ادبیات و هنرشان... اثر بگذارد، تا حاکم بر کل شئون زندگی پروتستانهای هلندی بشود (پیشین). امگا Omega (همان اثر، ص ۱۱۱) معتقد است که بین تاریخ و ترجمه تأثیر متقابل وجود دارد. ترجمه بسی فراتر از کاروبار علمی محض است و گاه مسیر تاریخ را عوض می‌کند (پیشین، ۱۱۶).

در هر حال اورلینسکی (Orlinsky 1990:117) بر آن است که کتاب مقدس‌های مسیحی در واقع فقط بازنگریهای مسیحی از ترجمه‌های اصلاً یهودی است. بدین سان در واقع همه

ترجمه‌های کتاب مقدس عبری اساساً یهودی است. او (در همان اثر، همانجا) همچنین می‌گوید که کلیسا و کلیسایان عهد اول، ترجمه‌ها و تفسیرهای جدیدی پیش آوردند که نگرش الهیاتی جدیدشان ایجاب کرده بود، و اینکه بعضی متون اصلی [مقدس] معانی‌ای می‌دادند که هرگز مقصود و مراد نویسندگان اصلی‌شان نبوده و جز به صورت اولیه (متفاوت با صورت ثانویه) توسط مخاطبان یهودی‌شان فهمیده نمی‌شده است.

گرین (Green 1985:ix) در [مقدمه]

ترجمه‌اش از کتاب مقدس دو ترجمه انگلیسی به دست می‌دهد: یکی کلمه به کلمه، که هر کلمه انگلیسی را زیر هر کلمه عبری یا یونانی، و دیگری ترجمه تحت اللفظی کتاب مقدس را در زیر کلمات انگلیسی مرتب می‌کند و به صورت ستون درمی‌آورد. در هر دو نوع ترجمه، رهیافت واژه به واژه به کار می‌برد. بالتیجه درباره تفاوت‌های وسیع بین فرهنگها و زبانها سخن می‌گوید و اذعان می‌کند که اگر اصل ترجمه تحت اللفظی به کار بسته شود، ترجمه‌ها و معادل‌های غریب پدید می‌آید (پیشین، ص ۱۰).

باری رهیافت حاکم در ترجمه [های جدید] کتاب مقدس این بوده است که «ناظر به طبیعی بودن کامل بیان باشد تا خواننده را با وجوهی از رفتار زبانی که در زمینه فرهنگ خودش سراسر است و ذی ربط است مواجه سازد.» (Nida 1964:166). منظور از ترجمه کتاب مقدس برای نایدا (1966:19) در میان آوردن اطلاعات عجیب و غریب خاص درباره یک فرهنگ متفاوت نیست، بلکه در میان نهادن اطلاعات به نحوی است که مخاطب یا خواننده ترجمه بتواند در برابر متن مقصد واکنشی داشته باشد که علی‌الاصول شبیه به واکنشی باشد که مخاطب در زبان مقصد در برابر متن مقصد دارد. بدین سان ترجمه عبارت است از

پدیدآوردن نزدیک‌ترین معادل یا همتای طبیعی نسبت به پیام زبان مبدأ، ابتدا در محتوا و معنی، سپس در صورت و ساختار. نایدا (پیشین، ص ۱۵) مترجمان جدید کتاب مقدس را به استفاده از مواد و اضافات تفسیری تشویق می‌کند. او (در همان اثر، ص ۲۵) در ترجمه کتاب مقدس شکستن جملات بلند و حذف موصولات و ادات و تأکیدات اضافی را توصیه می‌کند، به شرط اینکه این روند همسو و سازگار با اقتضائات زبان مقصد باشد و عملاً منتهی به از دست رفتن اطلاعات نشود. این شیوه و این توصیه بر خلاف رهیافتی است که بعضی از مترجمان قرآن در پیش می‌گیرند؛ یعنی جملات بلند را نمی‌شکنند و موصولات یا ادات و تأکیدات زبان مبدأ را حذف نمی‌کنند. به مثال زیر توجه فرمایید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي  
أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ (نساء، ۱۳۶) که ترجمه عبدالله یوسف علی (۱۹۸۳) از آن چنین است:

O ye who believe! Believe in God and His Apostle, and the Scripture which He hath sent to His Apostle and the Scripture which He sent to those before (him).

[ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خداوند و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فر فرستاده است، و کتابی که از پیش نازل کرده است، ایمان بیاورید...]

یوسف علی در ترجمه انگلیسی ساختار بلند زبان مبدأ و موصولات را برای رساندن سبک و محتوا، محفوظ نگه داشته است.

از یک سو، بارن ول (Barnwell 1983:24) ندای استفاده از پانویسهای گهگاهی در حاشیه صفحات ترجمه کتاب مقدس درمی‌دهد، از سوی دیگر نایدا (Nida 1964:94) از نیاز به ترجمه‌های ویراسته پیاپی کتاب مقدس در هر زبان، سخن می‌گوید که دهه به دهه ترجمه را نو و روزآمد کنند و هر میزان تحول اجتماعی و واژگانی را در ترجمه بازتاب دهند. اسمالی (Smalley 1991:14) پیشنهاد می‌کند که برای همپا نگاه داشتن ترجمه کتاب مقدس با سبک و سیاق کتاب مقدس، اصولاً سبک و سیاق کتاب مقدس را باید متحول دید. هابرمان (Hoberman 1985) از تعداد روزافزون ترجمه‌های مختلف کتاب مقدس و ویراستهای گوناگون هر یک از آنها به شگفتی و هراس افتاده است. این ترجمه‌های کتاب مقدس چه بسا به میزان معتناهی در سبک و ساختار انگلیسی‌شان فرق داشته باشند و نیز چه بسا بعضی ترجمه‌ها، اسفار (کتابهای) عهدینی بیشتری دربرداشته باشند. برای خریداران کم اطلاع

خریداری یک ترجمه درست و حسابی از کتاب مقدس، تا حدودی شبیه خرید یک دستگاه استریوی صوتی است: فراوانی امکان انتخاب، در ابتدا حیرت‌آور و در نهایت باعث سرخوردگی و ناکامی است. این ترجمه‌های مختلف نشان دهنده برداشتهای متفاوت از کتاب مقدس است و هر ترجمه جدید، بی‌تردید مناقشات درون فرقه‌ای را بازمی‌تاباند (پیشین، ص ۴۳-۴۴). هابرماس (همانجا، ص ۴۴) از این مسئله حیران است که مقامات و صاحب نظران دینی چگونه می‌خواهند یا اساساً می‌توانند تصمیم بگیرند که کدام ترجمه کتاب مقدس باید در کلیسا یا کنیسه به کار رود.

هابرماس (پیشین، ۵۴) بر آن است که ترجمه انگلیسی امروزی، و «ترجمه انگلیسی کتاب مقدس» چگونه می‌توانند ترجمه‌های واجد معادلهای زنده و پویا نامیده شوند، حال آنکه مقصود اعلا و اصلی در ترجمه جدید، به دست دادن ترجمه واژه به واژه یا عبارت به عبارت نیست، بلکه ترجمه معانی جملات است. مترجمان در اینکه فعل معلوم را به مجهول ترجمه کنند، و عبارات پیروی بلند را بدل به عبارات مستقل سازند و در ترجمه عهد عتیق کمال آزادی را در کار ترجمه برای خود قائل باشند و باز فی المثل از اینکه الگوی کلیشه‌وار جملات را بگیرند و چیزی کما بیش بلندتر و روان‌تر از آن در آورند، پروایی ندارند. در مورد ترجمه پژوهی قرآنی و تفسیر و کاربرد شگردهای زبانی و ادبی و علوم بلاغی، این نکته قابل بحث است که این رهیافت با ترجمه قرآن وفاق دارد یا نه؟ باید ملاحظه کرد.

### ۱/۵. ترجمه قرآن پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در سراسر کتاب حاضر، این وجه امتیاز را بین قرآن و ترجمه‌هایش قائل شویم که چگونه ترجمه‌های قرآن نمی‌توانند جاننشین قرآن باشند. میوراتا و چیتیک (Murata and Chittick 1995: xv) نیز چنین تمایزی را قائل شده‌اند و برآنند که در تقابل آشکار و چشمگیر نظرگاه مسیحی که عهدین را در هر لباسی و در هر زبانی که به آن برگردانده شده عهدین می‌دانند، این اعتقاد که قرآن تافته جدا بافته است در نظرگاه مسلمانان امری روشن و ثابت و بدون مناقشه است. از نظر مسلمانان کلام ربانی، شکل ویژه و خاص الخاص عربی پیدا کرده است. و این مشکل و شیوه، همان قدر بنیادین و گوهرین است که معانی‌ای که در بردارد. بنابراین فقط قرآن عربی است که قرآن است و ترجمه‌ها، صرفاً برداشت این یا آن مترجم است. طبایع

## ترجمه پژوهی قرآنی (۷) □

(Tibawi 1962:4) معتقد است که هر ترجمه از قرآن، خود معترف به قصور و نارسایی خویش است... که در نهایت چیزی بیش از تقریب به معانی قرآن نیست.

### ۱/۵/۱. زمینه و سابقه تاریخی

نخستین ترجمه قرآن به یک زبان غربی به همت پژوهنده انگلیسی را برتوس ریتننس (Robertus Retenensis) در قرن دوازدهم میلادی از روی نمونه ترجمه لاتینی بطرس المکرم سراسقف کلونی Cluny انجام گرفت و به سال ۱۱۴۳ م پایان یافت و نسخه‌های خطی آن رواج قابل ملاحظه‌ای یافت. درست ۴ قرن بعد، این ترجمه لاتینی در بازل Basel منتشر شد و ویراستار آن تئودور بیلیاندر (بوخمان Buckman) اهل زوریخ بود. این ترجمه سرشار از بی‌دقتی و بدفهمی بود و از روی غرض و ردیه نویسانه انجام گرفته بود؛ مع ذلك اساس ترجمه‌های اولیه به زبانهای جدید اروپایی قرار گرفت. این ترجمه به ترتیب به زبانهای ایتالیایی، آلمانی و هلندی ترجمه شد. در سال ۱۶۴۷ م آندره دوریه (Ander du Ryer) از اشراف زادگان تجار لوان (Levant) ترجمه‌ای فرانسوی در پاریس انتشار داد؛ ترجمه روسی در سال ۱۷۷۶ م در سن پترزبورگ چهره نمود. همچنین ترجمه فرانسوی ساواری (Savary) در سال ۱۷۸۳ م و به دنبال آن ترجمه دیگری به فرانسه به قلم کازیمیرسکی (Kasimirski) در سال ۱۸۴۰ م منتشر شد. تعلق خاطر فرانسویان به اسلام، ناشی از نقش و نفوذ فرانسه در شمال آفریقا بود. آلمانی‌ها ترجمه شوایگر (Schweigger) را با بحث درباره اختلاف قرائت به کوشش بویزن (Boysen) در سال ۱۷۷۳ م انتشار دادند. همچنین ترجمه آلمانی وال (Wahl) در ۱۸۲۸ م و ترجمه اولمان (Ulmann) در ۱۸۴۰ م منتشر شد. به موازات سایر فعالیتها، ماراکچی (Maracci) در سال ۱۶۸۹ ترجمه لاتینی دیگری از قرآن همراه با متن عربی و مقولاتی از آثار تفسیری مختلف عربی تعمداً به نحوی انتخاب و کنار هم‌دیگر نهاد که بدترین تصویر را از اسلام عرضه نماید. اینکه مقصودش بی‌اعتبار جلوه دادن اسلام است از عنوان مجلد آغازین آن هویدا بود که ردیه‌ای بر قرآن *A Refutation of the Qur'an* نام داشت. نخستین ترجمه انگلیسی که توسط راس (Ross) انجام گرفت، صرفاً مبتنی بر ترجمه فرانسوی دوریه در سال ۱۶۴۷ بود. ترجمه انگلیسی جورج سیل (George Sale) که در سال ۱۷۳۴ م منتشر شد، مبتنی بر ترجمه بدنام ماراکچی بود و حتی همان مدخل آغازین و یادداشت‌های مغرضانه یکسونگرانه را همراه داشت. ترجمه رادول (Rodwell) که نخست بار



در سال ۱۸۶۱ منتشر شد، نمونه دیگری از حملات ضد اسلامی یک مترجم غرض ورز است. ترجمه ای. اچ. پالمر (پامر) (E. H. Palmer)، هم از نظر تلاش علمی ناموفق است، و هم می‌کوشد قرآن را به انگلیسی محاوره‌ای که به گمان او با سبک بی‌انسجام قرآن همخوانی بیشتری دارد، ترجمه کند. ریچارد بل هم ترجمه انگلیسی‌اش را در سال ۱۹۳۷ م منتشر کرد. صدمه‌ای که کوششهای ناموجه - آگاهانه یا ناآگاهانه - از سوی این مترجمان غیرمسلمان به تصویر اسلام زد، پژوهشگران مسلمان را به چالشگری و به دست دادن ترجمه‌های درست و دقیق قرآن به زبانهای غربی به ویژه انگلیسی برانگیخت (Bausani 1957:79 همچنین Arberry 1980, 1:7؛ نیز Turner 1997:xii). در سال ۱۶۹۴ متن کامل قرآن به عربی برای نخستین بار در هامبورگ زیر نظر و با همت آبراهام هینکلمان (Abraham Hinckelmann) منتشر شد (Arberry 1980, 1:10). نخستین ترجمه انگلیسی به قلم یک مسلمان که در اوایل قرن بیستم منتشر شد، به همت محمد عبدالحکیم خان، اهل پاتیالا (Patiala) در سال ۱۹۰۵ بود. سپس میرزا حیرت دهلوی ترجمه‌اش را در سال ۱۹۱۹ منتشر کرد. ترجمه حافظ غلام سرور (Sarwar) ترجمه اسلامی بسیار ارزشمندی است که در سال ۱۹۳۰ منتشر شده، اما بدون همراه داشتن متن مقدس قرآن چاپ شده است. همچنین در سال ۱۹۳۰ انگلیسی مسلمان شده‌ای به نام مارمادوک پیکتال (Marmaduke Pickthall) ترجمه‌اش از قرآن کریم را انتشار داد (Ali 1983:xiii).

نخستین ترجمه‌های فارسی قرآن در دوران عباسیان (حدود ۷۵۰-۱۲۵۸ م) پدید آمد. این ترجمه‌ها را ایرانیان مسلمان شده انجام می‌دادند و غالباً از نظر صورت و ساختار تفسیر به‌شمار می‌آمدند که ترجمه در دل آن به صورت واژه به واژه انجام می‌شد و ساختار و دستور زبان عربی قرآنی را عیناً محفوظ می‌داشتند، سپس مواد تفسیری را در میان می‌آوردند. غالباً چنین ترجمه‌هایی احساس غرابت و بیگانگی با زبانی که خداوند پیام خویش را در آن بیان داشته، به خوانندگان فارسی زبان می‌داده است. (کریمی حکاک Karimi-Hakkak 1998:515). پونه والا (Poonawala 1990:162) و طبایوی (Tibawi 1962:16) نیز بیان داشته‌اند که ترجمه‌های فارسی تحت اللفظی است و واژگان فارسی معادل، بدون توجه به جا و نحوه آمدن و آرایش واژه در جمله و زنجیره خط و زبان فارسی، زیر متن عربی [طبعاً هر دو از راست به چپ] نوشته شده است. به عبارت دیگر، این ترجمه‌ها بین السطور است و به دنبال هر سطر عربی

### ترجمه پژوهی قرآنی ۷۳ □

سطر معادل فارسی آمده است. پونه والا (پیشین، همانجا) می‌گوید که نخستین ترجمه ترکی بر مبنای این گونه ترجمه‌های فارسی انجام گرفته و یا با آن همزمان است، یا در نیمه اول قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی به عمل درآمده است. به گفته محمد حمیدالله (۱۹۸۰: قیاس کنید با: 162: Poonawala 1990) ترجمه‌ای سریانی در اوایل نیمه دوم قرن اول هجری / هشتم میلادی به عمل آمده است، نیز ترجمه‌ای به زبان بربر در حدود آغاز دوم هجری / نهم میلادی؛ و ترجمه‌ای سندی در نیمه دوم قرن سوم هجری / نهم میلادی انجام گرفته، ولی هیچ یک از این ترجمه‌ها باقی نمانده است.

نخستین ترجمه قرآن به زبان صربوکراتی در سال ۱۸۹۵ به همت میکو لیوبیراتیک، کشیش صربستانی اهل بلگراد و اصلاً از مردم هرسه‌گووین انجام گرفت (Samic 1990:203) ترجمه او مستقیماً از عربی انجام نگرفته بود، بلکه از ترجمه فرانسوی یا روسی به عمل درآمده بود (پیشین، ۲۰۷). نخستین ترجمه قرآن به زبان صربوکراتی به مدد مسلمانان بوسنیایی در دومین دهه قرن بیستم آغاز و در سال ۱۹۳۷ منتشر شد. یکی از این ترجمه‌ها به قلم جمال‌الدین کوزه‌ویچ و دیگری به قلم محمد پانجو بود (پیشین، ص ۲۰۳). این ترجمه مواد تفسیری مفصّلی داشت (پیشین، ۲۰۸)؛ مع ذلك اصولاً ترجمه‌های صربوکراتی قرآن نقایص و نارساییهای بسیاری داشت (پیشین، ۲۱۳). یافتن معادل‌های رسا در زبان صربوکراتی برای بسیاری از واژگان عربی مربوط به دین و تمدن اسلام، امکان ندارد (پیشین، ۲۱۰).

دو نوع ترجمه قرآن وجود دارد؛ نوع اول ترجمه معناگرایانه است که زبان یا نثر کهن و نیز آرایش واژگانی یا عبارت پردازی دقیق پیش می‌گیرد، مانند ترجمه‌های بل (۱۹۳۷)، پیکتال (۱۹۶۹)، آربری (۱۹۸۰)، عبدالله یوسف علی (۱۹۸۳). این ترجمه‌های ادبی «رهیافتی به ترجمه دارد که اجازه می‌دهد زبان متن اصلی بر زبان مقصد (ترجمه) احاطه داشته باشد.» (Welch 1990:272). نوع دوم ترجمه اطلاع / ارتباط‌گراست و امکان می‌دهد که قرآن به زبان انگلیسی امروزین و اطلاع بخشی، مانند ترجمه‌های اکبر (۱۹۷۸)؛ اروینگ (Irving) (۱۹۸۵) و ترنر (Turner) (۱۹۹۷) برگردانده شود.

از نظرگاه اکبر (Akbar 1978:3) تقریباً تمامی ترجمه‌های موجود انگلیسی از قرآن، از نارساییهای ترجمه تحت اللفظی برخوردار است. او (پیشین) همچنین می‌گوید که این

ترجمه‌ها از انگلیسی کهن‌گرایانه کتاب مقدسی استفاده می‌کنند که معانی قرآن را نامفهوم می‌سازد، و نیز هر بخش از قرآن را جدا می‌کنند و شماره می‌زنند و آن را کل همبسته مستقلی می‌نمایانند و بدین سان حیات و نیروی پویایی را از آن به دور می‌سازند. اروینگ (Irving 1979:122) در تلاشش برای ترجمه قرآن برآن است که ترجمه‌ای کارآمد به دست دهد که به آسانی قابل فهم باشد. اروینگ (پیشین) کوشیده است که آسان‌ترین و سراسرترین واژه موجود را به نحوی به کاربرد که نوجوان مسلمان این قرن، و همچنین علاقه‌مندان غیر مسلمان، به آسانی پیام آن را به دست آورند. این امر مستلزم آن است که واژگانی کاملاً جدید با وجود مشکلات معنایی که دارد، ساخته شود، و نه آنکه از اصطلاحات دست فرسود که بیشتر در حوزه‌های دیگر معنی می‌دهد استفاده شود. اروینگ (1985:xlii) از رهیافت خود در ترجمه دفاع می‌کند و می‌گوید که ترجمه‌های نوع دیگر نه احساس کمال نه جمالی در ذهن شنوندگان یا خوانندگان به بار می‌آورد. اکبر (1978, 1:3) بر آن است که منتقل کردن دقیق هر فحوا یا به اصطلاح سایه و هاله معنایی که در کلمه عربی وجود دارد، به زبان انگلیسی دشوار است و می‌گوید شاید ترجمه آزاد بهتر باشد که معنای هر جمله عربی را به عنوان یک واحد، به انگلیسی بهتر می‌رساند.